



## تنبیه بدنی کودکان؛ از منع جهانی تا آموزه‌های دینی و مقررات قانونی

پدیدآورنده (ها) : عزیزی، ناصر؛ رضایی، حسین؛ شکرپیگی، حجت

حقوق :: نشریه دادرسی :: مرداد و شهریور ۱۳۹۶ - شماره ۱۲۴

صفحات : از ۲۱ تا ۲۹

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1372139>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۹/۲۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- تنبیه بدنی کودک، تربیت یا خشونت
- کودک آزاری
- ارزیابی معماری همساز با اقلیم در خانه‌های کاشان
- تأملی دوباره بر اجازه تنبیه بدنی زنان
- پوسته های سازگار و انطباق پذیر ساختمان با الگوپذیری از گیاهان در طبیعت
- بررسی تحولات اقتصاد سیاسی نفت و گاز در روسیه
- بهینه سازی مصرف انرژی در ساختمان های مسکونی اقلیم سرد(نمونه موردی: شهر اردبیل)
- "پایه داری" وجه مغفول رویکرد "معماری پایدار" در نسبت با طبیعت
- فهرست پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد رشته‌های (حقوق بشر و حقوق خصوصی، نیمسال دوم ۸۴ - ۸۳ و نیمسال اول ۸۴-۸۵)
- مولفه های پایداری در اشعار سپیده کاشانی
- بهینه سازی جداره های ساختمان مدرسه در جهت دستیابی به معماری پایدار مدارس نمونه موردی شهر شیراز
- تحلیل جامعه شناختی خشونت زنان علیه مردان

## عناوین مشابه

- قچاق زنان و کودکان برای بهره کشی جنسی از منع جهانی تا حمایت از بزه دیدگان
- از بحران تا اعتماد؛ دعوت به ایجاد مقررات جهانی سازگار و باکیفیت
- روند قانونی شدن تساهل و تسامح نسبت به اقلیت‌های دینی در ایران پس از مشروطه تا روی کار آمدن رضاشاه
- جایگاه پلیس در برخورد با خشونت علیه زنان: از مقررات قانونی تا رویه‌های عملی در حقوق ایران و کانادا
- بررسی تأثیر دل‌بستگی ایمن در شکل‌گیری هوش هیجانی و انس دینی کودکان در سنین ۱-۳ سالگی، از دیدگاه آموزه‌های دینی و روان‌شناسی
- حمایت کیفری از کودکان در برابر توريسم جنسی، از منع جهانی تا واکنش نظام های کیفری داخلی
- بررسی نرخ مرگ های مشکوک به خودکشی ارجاعی به مراکز پزشکی قانونی کشور از زمستان ۸۸ تا پاییز ۸۹ (سال ۲۰۱۰ میلادی) و مقایسه آن با نرخ های جهانی
- جهانی شدن و تربیت دینی از منظر مدرنیسم، پست مدرنیسم و عرفان اسلامی
- ضرورت‌ها و زمینه‌های عفت کلام در روابط اجتماعی از نگاه آموزه‌های دینی
- تأثیر حضور شرکت زیگلر بر طرح، نقش و رنگ قالی‌های ایران از دوره قاجار تا پایان جنگ جهانی دوم

# تنبيه بدنى كودكان؛ از منع جهانى تا آموزه هاى دينى و مقررات قانونى

ناصر عزيزى، دانشجوى دوره دكتورى حقوق بين الملل، داديار دادسراى عمومى و انقلاب تهران  
حسين رضايى، دانشجوى دوره دكتورى حقوق عمومى، مستشار معاونت قضايى قوه قضاييه  
حجت شكر بيگى، كارشناس ارشد حقوق كيفرى و جرم شناسى



## چكىده

امروزه، به رغم تلاش فزاينده اى كه در حمايت از كودكان صورت مى گيرد، هنوز شكل هاى مختلفى از خشونت و آزار عليه آنها به ويژه در قالب تنبيه بدنى ادامه دارد. بسيارى بر اين باورند كه به موجب سرپرستى والدين و مسئوليت مربيان در تربيت كودكان و جلوگيرى از كج روى آنها، در مواردى مى توان تنبيه بدنى را به كار برد. اين در حالى است كه دانشمندان زيادى براى حمايت از كنوانسيون «حقوق كودك»، بر ممنوعيت هر گونه بدرفتارى و خشونت عليه كودكان تأكيد مى نمايند. مقاله حاضر با مطالعه ديدگاه هاى ارائه شده در اين زمينه و بررسى نتايج تنبيه بدنى، در صدد است اين پرسش را پاسخ گويد كه آيا تنبيه بدنى كودك در راستاى ادب آموزى و تربيت وى جايز است و آيا ديدگاه فقه اماميه و مقررات قانون مدنى ايران در اين خصوص با پيمان نامه حقوق كودك سازگارى دارد يا خير؟

**واژگان كليدى:** تنبيه بدنى، كودك آزارى، خشونت عليه كودك، تربيت كودك، كنوانسيون حقوق كودك، حمايت از كودك.



## درآمد

کودکان همانند انسانی کامل، از کرامت و شرافت برخوردارند. آنان سازندگان فردای اجتماع هستند و پویایی و توسعه جامعه را تضمین می‌کنند؛ از این رو بی‌توجهی به وضعیت و سرنوشت کودکان، دوام جامعه انسانی را به خطر می‌اندازد و تضییع حقوق آنان بسان تضییع حقوق تمامی جامعه و بشریت است. کودکان امانت‌های الهی نزد والدین و جامعه هستند و سزاوار مراقبت و حمایت از سوی آنها و آراسته شدن به پرورش نیکو و تربیت ارزش‌های اخلاقی می‌باشند. بی‌گمان این قشر معصوم و آسیب‌پذیر، بیشتر از دیگران به شرایطی مساعد و محیطی امن و مناسب برای رشد و شکوفایی نیاز دارند. بدین جهت، شخصیت، حقوق و احکام آنان مورد عناية و حمایت مجامع بین‌المللی، خیراندیشان و دوستداران حقوق بشر قرار گرفته است که در رأس آن، تصویب و پذیرش فراگیر کنوانسیون سال ۱۹۸۹ سازمان ملل متحد در زمینه حقوق کودک<sup>(۱)</sup> است که در همگرایی و شتاب بخشیدن به تدابیر حمایتی برای کودکان اهمیت ویژه‌ای دارد.

باید به این نکته مهم نیز اشاره کرد که رفتار، اکتسابی است و معمولاً افراد در طول زندگی، در اثر تشویق یا تنبیه‌ها، گونه‌های مختلف رفتاری را می‌آموزند و خانواده که یکی از کارکردهای بنیادین آن، اجتماعی کردن کودکان است، نقش بسزایی در تکوین و تقویت رفتارهای مثبت یا منفی در فرزندان دارد. این نقش، به اندازه‌ای واجد اهمیت است که بسیاری بر این باورند که اصول، افکار، ایده‌ها و نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های فراگرفته شده از خانواده، همراه با تجربه‌های ناشی از شرایط عینی حاکم بر آن، سبب می‌شوند که هر کودک، به‌صورت جداگانه و متفاوت اجتماعی شده و وارد جامعه گردد (اکبری، ۱۳۸۰: ۸۲)؛ (قائمی، ۱۳۸۱: ۵۵) و (Reynaert & Others- 2009- 519).

اطفال که دنیایی از پاکی و صداقت‌اند، قربانی بیشترین ظلم‌ها، آزارها و خشونت‌ها قرار می‌گیرند. آنها به راحتی فروخته می‌شوند، تنبیه می‌گردند، مورد بهره‌کشی، تجاوز و آزارهای مختلف قرار می‌گیرند و بیشترین ستم را به جان می‌خرند؛ اما در این میان، بیشترین تعدی و خشونت علیه

**اطفال که دنیایی از پاکی و صداقت‌اند، قربانی بیشترین ظلم‌ها، آزارها و خشونت‌ها قرار می‌گیرند. آنها به راحتی فروخته می‌شوند، تنبیه می‌گردند، مورد بهره‌کشی، تجاوز و آزارهای مختلف قرار می‌گیرند و بیشترین ستم را به جان می‌خرند؛ اما در این میان، بیشترین تعدی و خشونت علیه آنان در قالب تنبیه بدنی صورت می‌گیرد.**

آنان در قالب تنبیه بدنی صورت می‌گیرد. از این رو، امروزه یکی از مهم‌ترین مسائل در راستای حقوق کودکان، حمایت از آنان در برابر خشونت و آزارهایی است که در قالب تأدیب و تنبیه بدنی به آنها وارد می‌شود. چه بسا، به‌رغم درک فزاینده‌ای که برای حفظ و حمایت از کودک وجود دارد، براساس مسائلی مانند اقتدار ولایی والدین، سرپرستی و مسئولیت مربیان، کج‌فهمی از آموزه‌ها، متون مذهبی و پندارهای نادرست اجتماعی و به منظور تربیت و جلوگیری از کج‌روی آنها اطفال به‌طور فراوان مورد تنبیه و ضرب و شتم قرار می‌گیرند؛ بدین جهت، شاهد شیوع کودک‌آزاری و رفتارهای خشن و خودسرانه بسیاری از سوی والدین و مربیان در قالب تربیت و هدایت هستیم و همه روزه گزارش‌های نگران‌کننده‌ای را در این باره شاهد هستیم.

تحقیقات انجام شده در کشورهای مختلف، آمار بالایی از تنبیه بدنی خشونت‌بار و تحقیرآمیز را به‌ویژه در محیط خانه و مدرسه نشان می‌دهد. به‌عنوان نمونه، پژوهشی میان دانشجویان هندی در سال ۱۹۹۱ میلادی ثابت کرد که ۹۱ درصد مردان و ۸۶ درصد زنان در دوران کودکی تنبیه بدنی شده‌اند و بررسی دیگری در کشور رومانی در سال ۱۹۹۲ نشان داد که ۸۶ درصد پدران و مادران کتک زدن را یک شیوه تربیتی می‌دانند.

یک تحقیق دولتی در انگلستان که در سال ۱۹۹۵ انجام شد نیز نشان می‌دهد که از هر شش کودک، دست‌کم یک نفر تنبیه بدنی شدید شده و ۹۱ درصد آنان کتک خورده‌اند (بولتن کودکان و خشونت - یونیسف)؛ همچنین در تحقیقی که به‌منظور بررسی بدرفتاری جسمی در مورد دانش‌آموزان منطقه ۳ و ۲۰ تهران در سال ۱۳۷۶ انجام شد، مشخص گردید که ۵۹٫۷ درصد از دانش‌آموزان منطقه ۳ و ۷۳ درصد از دانش‌آموزان منطقه ۲۰ سابقه تنبیه بدنی دارند (مدنی، ۱۳۸۳: ۳۹).

بدین سان، تنبیه بدنی به مسئله‌ای پیچیده و حساس در تربیت کودکان تبدیل شده است و اکثر والدین و مربیان در آن دچار تردید شده‌اند. آنان نمی‌دانند در مقابل خطاها و رفتارهای ناپسند کودکان که به‌رغم توصیه‌ها مرتکب می‌شوند، چه واکنشی نشان دهند؟ اگر در برابر کارهای ناپسند فرزندان خود سکوت کنند، بر خطاهای آنها افزوده می‌شود و جسارت و انحراف بیشتری می‌یابند و اگر عکس‌العمل نشان دهند و آنها را تنبیه بدنی کنند، چه بسا به آزار و سرخوردگی کودکان بینجامد و مشکلات بزرگ‌تری را دامن زند (طیسی، ۱۳۷۶: ۱۲).

در این نوشتار بر آن هستیم که تنبیه بدنی را به‌عنوان یک شیوه تربیتی مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم و به این پرسش اساسی پاسخ گوئیم که آیا تنبیه بدنی، خشونت علیه کودک است یا یک راهکار تربیتی؟ اگر به‌عنوان یک روش در تربیت مورد استفاده قرار می‌گیرند، کارایی و شرایط استفاده از آن چیست؟ بدین منظور در سه مبحث، دیدگاه صاحب‌نظران و مجامع بین‌المللی، دیدگاه شریعت مقدس اسلام و نظر قانون مدنی را مورد مطالعه و تحلیل قرار داده‌ایم.

البته جا دارد که در این مجال، مفهوم «تنبیه بدنی»<sup>(۲)</sup> به اختصار تبیین شود. کارشناسان در توضیح معنای تنبیه گفته‌اند: «تنبیه حذف پاسخ مثبت از ارگانیسم یا اضافه کردن پاسخ منفی به آن است». به عبارت دیگر، تنبیه را به ارائه محرک ناخوشایند یا حذف تقویت مثبت بلافاصله بعد از انجام یک رفتار نادرست معنی کرده‌اند (هرگنهان، بی‌تا: ۱۳۸). بدین ترتیب، تنبیه از قلمرو وسیعی برخوردار می‌شود و بی‌اعتنایی، تغافل، تهدید، تحقیر، سرزنش، محروم‌سازی، تغییر چهره، روی

برگرداندن، قهر کردن و تنبیه بدنی را شامل می‌شود اما در مورد تنبیه بدنی (تنبیه در مفهوم اخص) باید دانست که منظور، مجازات یا کیفر دادن کودک نیست، بلکه مراد این است که در راستای تربیت و اصلاح، کودک تحت فشار و محرک آزاردهنده جسمی یا روانی قرار گیرد تا رفتار نامطلوب را ترک کند. البته «کمیته حقوق کودک»، تنبیه بدنی و جسمی را هر نوع تنبیهی تعریف می‌کند که در آن از نیروی جسمی استفاده شود و هدفش ایجاد درجاتی از درد یا ناراحتی، هر چند جزئی باشد. بیشترین تنبیه جسمی شامل کتک زدن کودکان (ضربه، سیلی، ضربه به پشت و...) با دست یا هر وسیله دیگری است. پرتاب کردن، فشردن و تکان دادن، شلاق زدن، سوزاندن، زدن با ترکه، استفاده از آتش سیگار و گاز گرفتن، اشکال دیگری از تنبیه بدنی است.

## ۱- دیدگاه صاحب نظران و مجامع بین‌المللی در خصوص تنبیه بدنی کودکان

استفاده از تنبیه بدنی در ادب‌آموزی و تربیت کودک، همواره موافقان و مخالفانی داشته است. در حال حاضر، بیشتر کارشناسان و صاحب نظران، تنبیه بدنی کودک را به هیچ‌روی روا نمی‌دانند، بلکه بر عدم کارایی و آثار منفی آن اصرار دارند. به عنوان نمونه، «ماکارنگو» یکی از بنیان‌گذاران تعلیم و تربیت نوین، با اذعان به اینکه تنبیه بدنی به هیچ‌وجه روا نیست، اظهار داشته است: «از کودکان کتک خورده و بی‌اراده، بعدها یا آدم‌های ضعیف و هیچ‌کاره به بار می‌آید و یا آدم‌های قلدری که در تمام مراحل زندگی به دلیل هیجانات روحی دوران کودکی، انتقام‌جو باقی می‌مانند» (فرقانی، ۱۳۷۹: ۳۸).

اما گروهی دیگر بر این باور هستند که تنبیه بدنی در مواردی هر چند محدود، اصلاح‌گر است و اگر هم اصلاح‌کننده نباشد، دست کم اثر عبرت‌آموزی و بازدارندگی دارد؛ بنابراین، تنبیه بدنی را به‌طور کلی مطرود و ممنوع در نظر نمی‌گیرند. البته اینان نیز با مقوله تنبیه با احتیاط برخورد کرده و اظهار داشته‌اند: «در صورت اصلاح شدن رفتار کودک با شیوه‌های تربیتی مناسب، والدین، مربیان و جامعه مجاز به استفاده از تنبیه به‌عنوان یک محرک ناخوشایند و آزاردهنده برای کودک نمی‌باشند، مگر اینکه تمام

روش‌های ممکن به کار گرفته شده باشد و نتیجه مطلوب (اصلاح) به دست نیامده باشد».

در واقع، در مواردی که رفتار نابهنجار کودک بسیار وخیم و حاد است، تنبیه بدنی ممکن است تجویز شود، به‌ویژه آنکه روش تنبیه نسبت به سایر روش‌ها دارای اثرگذاری سریع‌تری است و به همین جهت برخی از روانشناسان، حتی کسانی که به شدت با تنبیه مخالف‌اند، در مواردی، تنبیه بدنی را جایز می‌دانند تا سریعاً رفتار نامطلوب را متوقف سازد و از اثرات جبران‌ناپذیر آن جلوگیری کند.

«گیج و برلایندر» در کتاب روانشناسی تربیتی در پاسخ به این پرسش که آیا تنبیه مؤثر است و آیا تنبیه چیز خوبی است؟ اظهار داشته‌اند: «به این سوالات در دهه‌های اخیر پاسخ‌های متفاوتی داده شده است. جدیدترین تحقیقات نشان می‌دهد که در اوضاعی خاص، به‌ویژه زمانی که تنبیه شدید مورد استفاده قرار می‌گیرد، رفتار می‌تواند برای همیشه از بین برود. آیا تنبیه رفتار را کاهش می‌دهد؟ پاسخ این سؤال قطعاً مثبت است. بر طبق شواهدی که جانستون در سال ۱۹۷۲ فراهم آورده است، راه‌های دیگر کاهش بسامد رفتار (مثل خاموش‌سازی) در مقایسه با تنبیه، در صورتی که به‌طور صحیح مورد استفاده قرار گیرد، تأثیری دیرتر، کم‌دوام‌تر و غیرمؤثرتر دارند» (گیج و برلایندر، ۱۳۷۴: ۳۶۴). این دو در ادامه افزوده‌اند: «اگر رفتاری که می‌خواهید مانع از آن شوید بسیار خطرناک یا ناخوشایند باشد، در آن صورت تنبیه به‌عنوان راهی برای دفع آن رفتار چیز خوبی است» (همان: ۳۶۵).

یکی از روانشناسان نیز می‌گوید: «درست همان‌طور که با پاداش دادن به کودک در هر زمانی که رفتار مطلوب را انجام می‌دهد می‌توان آن رفتار را نیرومند کرد، با پاداش ندادن قاطعانه به کودک هنگام انجام رفتار نامطلوب نیز می‌توان این رفتار را در او کاهش داد... به‌رحال در مواقع نادری باید از تنبیه بدنی (مثل یک سیلی یا یک فریاد) استفاده شود» (جی موریس، بی‌تا: ۷۳ و ۸۰).

همچنین، دکتر سیف در این باره نگاه داشته است: «با توجه به زیان‌های متعدد ناشی از تنبیه و سایر روش‌های تنبیهی، بهتر است هرگز از آن به‌عنوان روش تربیتی و اصلاحی استفاده نشود...»

با این حال ممکن است رفتار فرد چنان وخیم و خطرناک باشد که هیچ روش دیگری جواب ندهد و کاربرد روش تنبیه، تنها روش ممکن باشد مثل وقتی که رفتار نامطلوب فرد، سلامت و بقای خود او یا افراد دیگر را تهدید می‌کند» (سیف، ۱۳۷۳: ۳۷۹). با این همه باید دانست تنبیه بدنی کودکان، همان‌گونه که کارشناسان و صاحب نظران اذعان کرده‌اند، پیامدهای جسمی و روانی ناگواری را برای آنان در پی دارد که پذیرش تنبیه بدنی را به‌عنوان یک ابزار مؤثر تربیتی و اصلاح‌کننده با تردید مواجه می‌سازد و در واقع آن را بیشتر به‌صورت یک روش آسیب‌زا و نادرست جلوه می‌دهد. پاره‌ای از مهم‌ترین پیامدهای نامطلوب تنبیه بدنی کودک به‌قرار زیر است:

۱- کودکانی که تنبیه بدنی می‌شوند، نسبت به عامل تنبیه‌کننده و دیگران پرخاشگر می‌شوند. اطفال آزار دیده امروز، والدین آزارگر آینده خواهند شد. براساس یک بررسی علمی، ۹۰ درصد والدین آزارگر، خود در کودکی قربانی آزار و اذیت و تنبیه بدنی بوده‌اند؛ یعنی بد رفتاری با کودکان از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (پیشین: ۳۸۱).

۲- تنبیه بدنی و کودک‌آزاری، اطفال را مستعد انحرافات رفتاری برای آینده می‌سازد. بررسی‌های به‌عمل آمده در کانون اصلاح و تربیت نشان می‌دهد که ۹۹ درصد کودکان بزهکار دارای والدین زود خشم و مهاجم بوده‌اند، ۸۰ درصد کودکانی که دست به خودکشی زده‌اند نیز مورد شکنجه و آزار قرار می‌گرفته‌اند و ۹۰ درصد جوانانی که به مواد مخدر روی آورده‌اند از آزارگری والدین و مربیان خود خاطره‌ها دارند (پیشین، ۳۸۳).

۳- تکرار تنبیه باعث از بین رفتن ترس کودک می‌شود و به‌مرور، جسارت تکرار خطا را در او افزایش می‌دهد، به‌ویژه اینکه در دفعات بعدی، تنبیه‌کننده برای کارایی تنبیه بر شدت آن می‌افزاید.

۴- پیامد منفی دیگر تنبیه، وادار کردن کودک به دروغ‌گویی است، زیرا هنگامی که می‌فهمد در قبال خطا و رفتار نادرست خود تنبیه بدنی می‌شود، به سمت عادت ناپسند دروغ‌گویی متمایل می‌شود و دروغ‌گویی، جزئی از رفتار او می‌گردد.

۵- تنبیه بدنی کودک به کاهش حافظه و استعداد، اشکال در تمرکز و اختلالات شناختی وی منجر

می‌شود و افت توانایی تحصیلی او را به دنبال دارد. ۶- کودکانی که تنبیه بدنی می‌شوند، از اعتماد به نفس پایین تری برخوردارند.

۷- تنبیه بدنی موجب اضطراب، پریشانی، افسردگی، ترس مرضی، اختلالات خواب و گوشه‌گیری کودکان می‌شود.

گذشته از اینها، تنبیه بدنی کودک صدمات جسمی و جانی متعددی را در پی دارد و همچنین به بیماری‌های روانی، مشکلات رفتاری، تخریب شخصیت و توانایی کودک، نامیدی، فرار از خانه و حتی افکار خودکشی می‌انجامد (مدنی، ۱۳۸۳: ۷۱ به بعد و عطاران، ۱۳۷۳: ۶۷ به بعد).

بدین ترتیب، بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که در جهان امروز از نظر علمی و تربیتی تنبیه بدنی کودکان، ممنوع و نارواست و حتی برای تثبیت این موضع در صدد شکل دادن به یک اجماع جهانی هستند.

اگرچه اساساً تنبیه برای تذکر و آگاهی دادن و اصلاح نمودن است، حال اگر این آگاهی با خشونت، الفاظ رکیک و تنبیه فیزیکی توأم گردد؛ بی‌گمان معنای حقیقی تنبیه از میان می‌رود و چهره آزار و خشونت به خود می‌گیرد. به علاوه،

ماده‌ی ۱۹ پیمان نامه حقوق کودک (۱۹۸۹)، بر ممنوعیت هرگونه بدرفتاری و خشونت از جمله تنبیه بدنی علیه کودک، توسط والدین و مربیان تأکید و مقرر می‌نماید: «۱- دولت‌های عضو، همه اقدامات قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی لازم را به عمل خواهند آورد تا از کودک در برابر تمام اشکال خشونت جسمی یا روحی، صدمه یا سوءاستفاده، بی‌توجهی یا سهل‌انگاری، بدرفتاری یا بهره‌کشی جنسی در حین مراقبت والد (والدین)، سرپرست (یا سرپرستان قانونی) یا هر شخصی که عهده‌دار مراقبت کودک است، محافظت نمایند.

۲- این گونه اقدامات حفاظتی باید برحسب مورد، شامل روش‌های مؤثر برای ایجاد برنامه‌های اجتماعی باشد تا از این راه بتوان از کودک و اشخاص مراقب او و همچنین دیگر شکل‌های پیشگیری، پشتیبانی لازم را فراهم آورد و موارد بدرفتاری‌های یاد شده با کودکان را شناسایی، گزارش، تحقیق و چاره کرد و برحسب اقتضا، مورد پیگرد قرار داد». این در حالی است که به گفته «جنبش جهانی برای پایان دادن به تنبیه

بدنی کودکان»، حداقل در ۱۰۶ کشور، استفاده از تنبیه بدنی در مدارس و در ۱۴۷ کشور استفاده از تنبیه بدنی در مراکز نگهداری کودکان ممنوع نیست و تا به امروز تنها در ۱۶ کشور استفاده از تنبیه بدنی در خانه ممنوع اعلام شده است» کمیته حقوق کودک<sup>(۳)</sup> متذکر شده است که کنوانسیون «حقوق کودک»، خواستار تجدیدنظر در قوانین است تا تضمین گردد که هیچ میزانی از خشونت در مورد کودکان نادیده گرفته نمی‌شود. این کمیته به ویژه تأکید کرده است تنبیه بدنی در خانواده‌ها، مدرسه‌ها، مؤسسات و نظام قضایی با پیمان نامه سازگاری ندارد و غالباً پیشنهاد نموده است که در مقررات موجود (داخلی) تجدیدنظر شود؛ از جمله در خصوص مقرراتی که تنبیه بدنی کودک را به شکل ملایم و معقول تجویز کرده است.

به عنوان نمونه، کمیته مزبور از عبارت‌پردازی ماده‌ی ۱۵۴ قانون مدنی اسپانیا که می‌گوید والدین می‌توانند کودکان خود را به طور معقول و با ملامت تنبیه کنند ابراز نگرانی کرده است، چون ممکن است به گونه‌ای تفسیر شود که اعمال مغایر با پیمان نامه را مجاز شمرد (سیف، ۱۳۷۳: ۳۸۱).

۲- دیدگاه شریعت مقدس اسلام  
دین اسلام به کودکان و مسائل آنان توجهی جامع دارد و برای آنها جایگاه ارزنده‌ای قائل است. اسلام کودک را نعمت و امانت الهی در دست والدین دانسته و به تربیت و پرورش طفل در ابعاد جسمی، عقیدتی، اخلاقی و عقلی عنایت جامعی داشته است، به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد بر پایه تعالیم و آموزه‌های این دین مقدس می‌توان یک الگوی جامع و کامل تربیتی و رشد معنوی برای کودک تدوین و ارائه نمود که از جمله آنها مسئله حفظ کودکان از لغزش‌ها، خطاها و انحرافات است.

پیش از پرداختن به مسئله تنبیه بدنی کودک در اسلام، مناسب است پاره‌ای از مهم‌ترین اصول تربیتی و محورهای رفتار با کودک از منظر این شریعت مقدس مورد عنایت قرار گیرد تا در تبیین دیدگاه و ترسیم چارچوب تربیت و تنبیه طفل از آنها بهره‌برداری گردد:

۱- کرامت کودکان: در دین اسلام کودکان مانند دیگر آدمیان از شخصیت، کرامت و حیثیت انسانی برخوردارند و در برخورد شایسته و رفتار انسانی با

آنان سفارش شده است. قرآن کریم به سرزنش کسانی که کودکان را مورد تکریم قرار نمی‌دهند پرداخته است. همچنین پیامبر (ص) فرموده‌اند: «فرزندانتان را گرامی بدارید و به شایستگی تربیت کنید تا مورد مغفرت قرار بگیرید» (الحر العاملی، بی‌تا، ج ۱۵: ۱۲۳).

۲- مصلحت‌محوری: مهم‌ترین عاملی که اقدامات والدین و سرپرستان را نسبت به کودکان جهت می‌دهد، رعایت مصلحت، خیر و غبطه آنان است؛ از این رو در حقوق اسلام، هیچ مربی یا سرپرستی نمی‌تواند بدون رعایت مصلحت کودک اقدامی را مرتکب شود تا آنجا که طبق قرآن کریم و روایات حتی تصرف در مال صغیر نیز باید به بهترین شیوه و رعایت کردن صلاح وی باشد.

۳- مهرورزی و ترحم: به طور فطری و طبیعی والدین نسبت به فرزندان خود مهربان و دلسوزند. از نظر اسلام، مهربانی و محبت نسبت به کودکان یکی از اصول بنیادین رفتار با آنان است. در این آیین مقدس، سفارش‌های بسیاری در رعایت حال اطفال، مهرورزی و عطف نسبت به آنها شده است و پیامبر اکرم (ص) که اسوه نیکو و برجسته اخلاق است، نسبت به کودکان مهر و رأفت داشتند.

همچنین از امام صادق (ع) روایت شده است که خداوند بنده خود را به خاطر محبت و شدت دوستی فرزندش مورد لطف و رحمت قرار می‌دهد (الحر العاملی، بی‌تا، ج ۱۵: ۹۸).

در حدیثی دیگر از پیامبر نقل شده است که فرموده‌اند: «به بزرگسالان خود احترام و به کودکان ترحم و عطف نمایند» (ابن بابویه، بی‌تا: ۱۶۳).

۴- آسان‌گیری و مسامحه: کودکان به علت داشتن سن کم، عدم درک کامل از واقعیات و خیر و شر، شایسته آسان‌گیری و مدارا می‌باشند. در تعالیم اسلامی برای رفق و مدارا با کودکان و آسان گرفتن کارها در مورد آنان و نیز تغافل، عفو و گذشت از خطاهایشان توصیه‌های زیادی شده است. به عنوان نمونه از پیامبر اعظم (ص) نقل است که فرموده‌اند: «خدا رحمت کند کسی که فرزندش را به خیر و نیکی راهنمایی و مساعدت کند و آن این است که بر او آسان گیرد و از سختی و خطای او درگذرد و او را مورد آزار و اذیت قرار ندهد» (الحر عاملی، بی‌تا، ج ۱۵: ۱۹۹).

۵- جلوگیری از زیان و خشونت علیه آنان: به طور کلی در اسلام، آسیب رساندن و خشونت علیه انسان‌های بی‌گناه نارواست و به طور قطع، ممنوعیت آن در مورد کودکان معصوم اولویت بیشتری دارد. بدین جهت، هر عملی که به نوعی خشونت، آسیب و ضرر به جسم ظریف و روح لطیف کودک تلقی شود، باید ترک گردد. آیاتی از قرآن کریم، قاعده «لا ضرر» و پاره‌ای از احادیث از جمله روایت پیشین بر این مطلب دلالت دارد.

۶- عدالت و اعتدال در رفتار: بر پایه دین اسلام، پدر و مادر در اعمال علاقه نسبت به اطفال و نیز شیوه برخورد با هر کودک باید بر پایه عدالت و اعتدال رفتار نمایند. حضرت علی (ع) در حدیثی فرموده‌اند: «بین فرزندان خود به عدالت رفتار کنید، همان گونه که دوست دارید فرزندانتان و مردم نسبت به شما به عدل و داد رفتار نمایند» (المجلسی، بی‌تا، ج ۳: ۱۱۳).

اسلام در برخورد با کودک و حتی مهر و محبت با وی، نه افراط را می‌پسندد و نه تفریط و کوتاهی را. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی فرموده‌اند: «بدترین پدران کسی است که در نیکی و محبت به فرزند به زیاده‌روی و افراط کشیده شود». اینک با توجه به این اصول و بر پایه مقررات و رهنمودهای شریعت مقدس اسلام، می‌توان دیدگاه دینی را در مورد تنبیه بدنی کودک بدین قرار ارائه نمود:

نخست، بر اساس آموزه‌ها و مقررات اسلامی، کودکان فاقد مسئولیت کیفری‌اند و ایراد محکومیت و کیفر بر آنها ممنوع است؛ زیرا آنان تکلیف ندارند و از این رو نمی‌توانند مؤاخذه و مجازات شوند. به موجب حدیثی مشهور از حضرت علی (ع) نقل شده است که فرمودند: «قلم تکلیف و مؤاخذه از کودک برداشته شده است تا زمانی که به حد بلوغ برسد» (الحر العاملی، بی‌تا، ج ۱: ۳۲) و هم از ایشان و هم از امام صادق (ع) روایت گردیده که «عمد کودک در حکم خطاست» (همان، ج ۱۹، ۳۰۷) و از این رو قابل بازخواست و مجازات نیست.

البته باید دانست که این رهنمود شریعت، در تأیید حکم عقل است چون کودکان در سنین پایین فاقد توانایی درک و تمیز خیر و شر می‌باشند و در سنین بالاتر هم قوه آنان کامل نشده و نیازمند هدایت و اصلاح هستند نه مؤاخذه و کیفر. به همین جهت

هرگونه برخورد و بدرفتاری به عنوان مجازات دادن و بدون در نظر گرفتن وضعیت درک و فهم اطفال، ناپسند و بلکه ظلم و اجحاف به آنان تلقی می‌گردد (کریمی جهرمی، ۱۴۱۴ ق: ج ۲: ۲۸۱). بدین ترتیب اصل و قاعده کلی بر منع برخورد و بدرفتاری با کودکان است.

**تنبیه بدنی به مسئله‌ای پیچیده و حساس در تربیت کودکان تبدیل شده است و اکثر والدین و مربیان در آن دچار تردید شده‌اند. آنان نمی‌دانند در مقابل خطاها و رفتارهای ناپسند کودکان که به رغم توصیه‌ها مرتکب می‌شوند، چه واکنشی نشان دهند؟ اگر در برابر کارهای ناپسند فرزندان خود سکوت کنند، بر خطاهای آنها افزوده می‌شود و جسارت و انحراف بیشتری می‌یابند و اگر عکس‌العمل نشان دهند و آنها را تنبیه بدنی کنند، چه بسا به آزار و سرخورگی کودکان بینجامد و مشکلات بزرگ‌تری را دامن زند.**

دوم، مهم‌ترین هدف و رسالت در دوران کودکی، تربیت، هدایت و اصلاح طفل و آموزش ارزش‌های انسانی به او است و هرگونه رفتار و اقدامی که به علت نادرستی یا خشونت‌آمیز بودن با این هدف (تربیت) مخالف باشد، نقض غرض بوده و باید از آن جلوگیری به عمل آید.

سوم، هرگونه برخورد و رفتار با کودکان باید بر اساس اصول بنیادین در تربیت طفل (که پیش‌تر از آنها یاد شد) صورت پذیرد؛ یعنی با رعایت کرامت و مصلحت طفل و بر پایه مهرورزی، دلسوزی و آسان‌گیری باشد.

باید افزود که دین عدالت‌آفرین اسلام که حتی

اجازه نمی‌دهد با حیوانات بدرفتاری شود و آنان مورد ضرب قرار گیرند، بی‌گمان در مورد کودکان با اهتمام خاصی که مبذول داشته نباید این رفتار را اجازه دهد، آن هم در دادگاهی که شاکی، قاضی و مجری آن یک نفر (مثلاً پدر) باشد.

چهارم، در مورد کودکان متمیز و افراد نابالغی که با وجود مراقبت‌ها و توصیه‌های والدین و مربیان خود و به رغم دانستن بدی و زشتی عمل، به سرپیچی و ناسازگاری ادامه می‌دهند، شیوه‌ها و راهکارهای تربیتی متنوعی در تعالیم اسلامی ارائه گردیده که والدین و سرپرستان باید بر پایه صلاح (منافع عالیه) کودک و با حسن تدبیر آنها را به کار گیرند که از آن جمله می‌توان به الگوسازی (ارائه الگوهای مناسب جهت پیروی کودک)، سالم‌سازی محیط و اموری که بر کودک تأثیر دارد (دوستان، معلم و...)، ملامت و سرزنش، محروم‌سازی از تشویق و امور مورد علاقه، قهر کردن (به صورت موقت)، اخطار و... اشاره کرد.

پنجم، روایات متعددی از ائمه معصومین وارد شده است که تنبیه بدنی کودک را منع کرده است که در این مجال به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود: حضرت امام کاظم (ع) به یکی از یاران خویش که از دست فرزندش به ستوه آمده بود و از رفتار ناپسند او گلایه می‌کرد فرمودند: «به هیچ روی او را کتک نزن، بلکه با او قهر کن و این قهر و روی گردانی هم چندان طول نکشد» (المجلسی، بی‌تا، ج ۱۰۴: ۹۹). امام رضا (ع) به پدری که از رفتار بد فرزندش شکوه می‌کرد و می‌گفت گاه خشمگین می‌شوم و او را کتک می‌زنم، فرمودند: «او را نزن، بلکه هدایت کن» (الحلی، ۱۴۰۷ ق: ۸۹).

بنابراین، ملاحظه می‌گردد که بر مبنای دستورات و تعالیم اسلامی، برخورد با کودکان باید بر پایه مهر و عطف و رعایت مصلحت آنان باشد و اعمال کیفر و هرگونه اقدام خشونت‌آمیز علیه آنان ممنوع است؛ اما در اینجا پرسشی در مورد روایات متعددی که مقرر می‌نمایند پدر یا سرپرست کودک حق تنبیه و زدن او را دارد (الحر العاملی، بی‌تا، ج ۱۵: ۱۹۷ و ج ۱۸: ۳۳۹ و ۵۸۱ و ۵۸۲) و بسیاری از فقیهان نیز این مطلب را پذیرفته و در نوشته‌های خود بدان اذعان کرده‌اند، مطرح می‌شود (العاملی، بی‌تا، ج ۴: ۲۷۳ و النجفی، ۱۴۰۰ ق: ج ۴۱: ۴۴۴) و آن اینکه

این احادیث و برداشتها هماهنگ با دیدگاه کلی شریعت در خصوص اطفال و تربیت آنان و سازگار با اصول و موازینی است که پیشتر بدان اشاره شد یا اینکه نیازمند توجیه و تأویل است؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت: اسلام دین کامل و جامعی است که برای بسیاری از مسائل زندگی و تربیتی حتی رویدادهای خاص، توصیه‌ها و احکام ویژه دارد. در این مجال نیز آیین مقدس اسلام مقرر داشته است هرگاه کودکی که به مرحله درک و شعور لازم رسیده است و خوبی و بدی و روا و ناروا را تشخیص می‌دهد، اما باوجود مراقبت و سفارش‌های پدر، مادر و سایر سرپرستان و عمل کردن والدین بر اساس مراحل و راهکارهای تربیتی، به رفتاری ناروا و غیرقابل تحمل ادامه می‌دهد، امکان تنبیه و تأدیب وی با رعایت مراتب و شرایط فراهم است.

البته این تنبیه برای او سرنوشت‌ساز و یک شوک جدی است و در حقیقت آخرین روش تربیتی و اصلاح‌کننده به شمار می‌رود - همانند یک عملیات جراحی که به‌عنوان آخرین راه درمان یک بیماری مورد استفاده قرار می‌گیرد - باید دانست در اینجا، تنبیه نه تنها کودک‌آزاری نیست، بلکه ترک آن، غفلت و بی‌مبالاتی نسبت به وضعیت انحراف‌آمیز طفل است.

جا دارد به این نکته مهم نیز اشاره شود که با بررسی رویکردهای موجود، این نتیجه حاصل می‌گردد که معلم و مربی کودک نمی‌تواند خودنسبت به تأدیب طفل اقدام نمایند، بلکه لازم است برای این اقدام از ولی او اجازه بگیرند؛ زیرا اگرچه در این باب روایت معتبری از سکونی به نقل از امام صادق (ع) وجود دارد که براساس فرمایش حضرت علی (ع)، ولایت معلم را بر تأدیب شاگرد می‌رساند، لیکن اطلاق این مضمون کفایت نمی‌کند و قوی‌تر این است که ولایت بر تأدیب، خلاف اصل و نیازمند سند و مدرک قطعی است و در خلاف اصل باید به میزانی که یقین و اطمینان وجود دارد، اکتفا گردد و قدر متیقن موردی است که پدر طفل به معلم یا مربی اجازه تأدیب و تنبیه دهد. این تحلیل توسط یکی از فقهای معاصر نیز به تأیید رسیده و اظهار فرموده است: «معلم در تأدیب استقلال ندارد و به اذن ولی طفل احتیاج دارد، زیرا اگرچه ممکن است معلم از

**در دین اسلام کودکان مانند دیگر آدمیان از شخصیت، کرامت و حیثیت انسانی برخوردارند و در برخورد شایسته و رفتار انسانی با آنان سفارش شده است. قرآن کریم به سرزنش کسانی که کودکان را مورد تکریم قرار نمی‌دهند پرداخته است. همچنین پیامبر (ص) فرموده‌اند: «فرزندانتان را گرامی بدارید و به شایستگی تربیت کنید تا مورد مغفرت قرار بگیرید».**

تأدیب، قصد خیر و ترفیع درجه طفل را در نظر داشته باشد، اما چه بسا پدر این‌گونه نیندیشد و راضی نباشد که فرزندش را کتک بزنند تا علم فراگیرد، بنابراین اگر پدر تأدیب فرزندش را نهی نماید یا معلم علم به عدم رضایت پدر داشته باشد، جواز آن مشکل است و تنها در صورتی جایز است که پدر اذن داده باشد» (کریمی جهرمی، ۱۴۱۴، ق: ج ۲: ۲۸۶).

بدین ترتیب، تنبیه به‌طور محدود و استثنایی - آخرین راه اصلاح و تربیت - آن هم به‌قصد احسان و نه اطفای غضب و تشفی خاطر، با رعایت مراتب و شرایط، در آموزه‌های دینی مورد عنایت قرار گرفته است؛ زیرا اسلام هرگز محبت افراطی و بی‌مبالاتی والدین و سرپرست کودک را در برابر انحراف و رفتار خطرناک کودکان ممیز نمی‌پسندد و همان‌گونه که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «بدترین پدران، کسانی هستند که در محبت و نیکی به فرزند، به زیاده‌روی و افراط کشیده شوند» (الیعقوبی، بی‌تا: ج ۲: ۳۲۰). مکتب اسلام از اعتدال در رفتار با کودک حمایت کرده و از این‌رو در مورد تنبیه، دیدگاهی به‌دور از افراط و تفریط ارائه نموده است که به‌موجب آن در مواقع ویژه و نادر، هرگاه سایر عوامل و راهکارهای تربیتی مؤثر واقع نشد، به‌عنوان یک روش احتیاطی و استثنایی و از روی ضرورت و مصلحت می‌توان به تنبیه کودک خطاکار اقدام کرد.

بی‌گمان این برخورد باید سنجیده و شرافتمندانه و مبتنی بر مصلحت و انصاف و به دور از هرگونه عقده‌تکانی و آزار جسمانی (خشونت) باشد. این همان نکته ظریفی است که پاره‌ای از روانشناسان هم بدان اذعان نموده‌اند که هرگاه رفتار کودک آن‌چنان وخیم و خطرناک باشد که هیچ روش دیگری مؤثر واقع نشود و رفتار نامطلوب او، سلامت و بقای خود یا افراد دیگر را تهدید کند، می‌توان از تنبیه استفاده کرد.

متأسفانه این دیدگاه وجیه و حکم‌بخردانه، مورد سوءبرداشت‌های زیادی قرار گرفته است؛ برخی این حکم را کلی و مطلق انگاشته‌اند و هرگز به ویژگی استثنایی و خاص آن اشاره نکرده‌اند و حتی این سنت ناروا در جوامع اسلامی شکل گرفته که پدر حق دارد فرزند خود را به‌طور عادی با هدف اصلاح و تربیت تنبیه کند و کتک بزند و این موجب افزایش آمار کودک‌آزاری و خشونت علیه کودکان گردیده است. همان‌طور که گفته شد، اولاً: تنبیه کودکان خردسال و فاقد درک و شعور لازم مطلقاً ممنوع است (الکافی، بی‌تا، ج ۶: ۴۶)؛ ثانیاً: باید ثابت شود که سایر راهکارهای تربیتی (الگوسازی، نصیحت، ملامت، اخطار، محروم‌سازی، قهر و...) تأثیری نداشته و تنبیه برای کودک دارای مصلحت و ضرورت است؛ ثالثاً: تنبیه نباید خشونت‌آمیز و به مقدار زیاد باشد و اساساً در حد متعارف و با قصد احسان و دلسوزی صورت پذیرد و تا جایی که ممکن است به مرتبه کتک‌زدن نینجامد. باید توجه داشت که تنبیه، خود هدایت و هوشیار کردن و افزایش آگاهی است و اگر این امر با خشونت و تنبیه بدنی و رفتار ناشایست و الفاظ رکیک همراه باشد، مفهوم و ماهیت حقیقی خود را از دست می‌دهد و آثار نامناسب‌تری را به بار می‌آورد.

در مجموع با عنایت به مقاصد شریعت و اصول تربیتی رفتار با کودک، توجه اسلام به کرامت طفل و سیره ارزنده پیامبر و ائمه اطهار (ع) در برخورد با کودکان و احادیث گوهریار، باید پذیرفت که تنبیه کودک جز در موارد خاص و استثنایی در اسلام پذیرفته نشده است و چنین حکمی را نباید به‌عنوان یک حکم کلی و مطلق به اسلام نسبت داد.



### ۳- بررسی دیدگاه حقوق ایران

به موجب قانون مدنی ایران، پدر و مادر موظفند با همفکری و همدلی، به تربیت و شکل‌گیری شخصیت معنوی طفل اقدام کنند و با ایجاد محیط سالم و به‌کارگیری روش‌ها و ابزار مناسب، فرآیند تربیتی او را به سامان رسانند. ماده‌ی ۱۱۷۸ قانون مدنی در این باره مقرر می‌نماید: «ابوین مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش برحسب مقتضای اقدام کنند و نباید آنها را مهمل بگذارند» و به دنبال آن در ماده‌ی ۱۱۷۹ مقرر کرده است: «ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب، تنبیه نمایند». همچنین، در ماده‌ی ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ آمده است: «ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در موارد زیر قابل مجازات نیست: ... ت- اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می‌شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد». بدین ترتیب در مواد مزبور، حق تنبیه بدنی طفل توسط پدر و مادر پذیرفته شده است. البته در مورد کودکانی که در سال‌های نخست عمر خویش به سر می‌برند و نیک و شر را تشخیص نمی‌دهند، به‌طور قطع مجالی برای تنبیه آنان نیست؛ زیرا تنبیه آنان هیچ تأثیر مثبتی ندارد. همچنین، در مورد کودکان خطاکاری که سزاوار تنبیه تشخیص داده می‌شوند، باید مراتب مصلحت و متعارف در تنبیه آنان مراعات گردد و به گفته قانون‌گذار از حدود تأدیب فراتر نرود؛ اما در خصوص فرزندان که به‌مرور به درک و شعور لازم و قوه تمیز رسیده‌اند، پدر و مادر می‌توانند در مسیر تربیت، آنان را مورد امر و نهی قرار دهند، به امور پسندیده بخوانند و از کارهای ناشایست پرهیز دهند. در برابر، فرزند هم باید از دستورات والدین خود اطاعت کند. از این رو در ماده‌ی ۱۱۷۷ قانون مدنی آمده است: «طفل باید مطیع ابوین خود بوده و در هر سنی که باشد به آنها احترام کند». حال، اگر طفل به سرپیچی و انحراف روی نهاد، بر پدر و مادر است که با حسن تدبیر فرزند را به تبعیت از رهنمودهای خویش قانع سازند و طبق نص قانون در این راه می‌توانند با صلاح‌دیدگی مناسب، تنبیهی

را که با شرایط و وضعیت کودک هماهنگ است، برای او منظور نمایند. بدیهی است که منظور از تنبیه در ماده‌ی ۱۱۷۹ قانون مدنی، مفهومی فراگیر است که از قبیل سرزنش یا محرومیت از پاره‌ای مزایا را شامل می‌شود و تنبیه بدنی را نیز در برمی‌گیرد، لیکن این ایراد بر قانون مدنی وارد است که بر لزوم اجرای راهکارهای تربیتی دیگر که مقدم بر تنبیه می‌باشند اشاره‌ای نکرده و حق تنبیه را به موازات پدر برای مادر نیز اثبات کرده است تا آنجا که برخی از استادان حقوق تصریح کرده‌اند که تنبیه، از لوازم حضانت به شمار می‌آید (شایگان، ۱۳۷۵: ۲۸۱). از سوی دیگر، قانون‌گذار مدنی در اعمال تنبیه تنها به محدوده تأدیب اشاره نموده و از رعایت صلاح و مصلحت کودک سخنی به میان نیاورده است. از این رو، این اشکال اساسی بر قانون مدنی وارد است که ماده‌ی ۱۱۷۹ انعکاس کامل و درستی از آموزه‌های شریعت اسلامی در خصوص تنبیه کودک نیست و بی‌گمان این گونه مقررات می‌تواند مورد سوءبرداشت و استفاده ناروای پدران و مادران قرار گیرد و به آزار و خشونت علیه کودکان دامن زند؛ این در حالی است که انتظار می‌رود قوانین به‌عنوان مانعی مؤثر در جهت اعمال خشونت علیه اطفال و مروج رفتار سنجیده و متناسب با آنان ایفای نقش کنند.

البته در این مجال مناسب است که از تصویب قانون «حمایت از کودکان و نوجوانان» به‌عنوان دستاوردی ارزنده یاد کنیم، این قانون مشتمل بر ۹ ماده، در تاریخ ۱۳۸۱/۹/۲۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۱ به تأیید شورای نگهبان رسیده است و حاوی نکات جالب و جدیدی در حمایت از کودکان در برابر خشونت است؛ ماده‌ی اول این قانون هم‌نوا با پیمان‌نامه حقوق کودک اعلام کرده است: «کلیه اشخاصی که به سن هجده سال تمام هجری شمسی نرسیده‌اند، از حمایت‌های قانون مذکور در این قانون برخوردار می‌شوند». همچنین، در دومین ماده آمده است: «هر نوع آذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی یا اخلاقی وارد شود و سلامت یا روان آنان را به مخاطره اندازد، ممنوع است». به علاوه، در ماده‌ی چهارم بیان شده

است: «هرگونه صدمه و آذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتکب، به سه ماه و یک روز یا شش ماه حبس و یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد». ماده‌ی پنج و شش نیز کودک‌آزاری را جرم عمومی معرفی کرده و کلیه افراد مرتبط با کودکان را مسئول اعلام گزارش و موارد کودک‌آزاری به مقامات صالح دانسته است.

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که با این قانون هرگونه آزار و آذیت و خشونت علیه کودکان ممنوع گردیده و از تنبیه بدنی نابجا و کودک‌آزاری، جرم انگاری شده است. در همین رابطه، اشاره به موضع قانون جدیدالتصویب حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۲ نیز لازم به نظر می‌رسد. در این باره باید گفت گرچه دولت ایران در سال ۱۳۷۲ به کنوانسیون حقوق کودک پیوسته، ولی اشکال سوءاستفاده جنسی از کودکان که مورد بحث قرار گرفت را مستقلاً جرم‌انگاری نکرده است. البته قانون‌گذار ایرانی، در پی الحاق ایران به کنوانسیون حمایت از حقوق کودک در سال ۱۳۷۲ و در راستای در نظر گرفتن ضمانت اجرای مناسب، در سال ۱۳۸۱، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان را به تصویب رساند. مواد این قانون، با الهام از مواد ۱۹، ۳۲، ۳۴ و ۳۵ کنوانسیون حقوق کودک، تنظیم و انشا شده است، اما کاملاً منطبق با مفاد این کنوانسیون نیست. در این قانون نیز قانون‌گذار، در خصوص چگونگی حمایت از کودکی که مورد آذیت و آزار و شکنجه قرار گرفته یا در نتیجه‌ی نادیده گرفتن امر تأمین سلامت و بهداشت روانی و جسمانی، در معرض همه‌گونه خطر از جمله بزه‌دیدگی قرار گرفته، سکوت اختیار کرده است. هر چند این ایراد در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان برطرف شده است (ایروانیان، ۱۳۸۸: ۵۴).

به موجب ماده‌ی ۲ قانون مورد اشاره، «هر نوع آذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد، ممنوع است». طبق ماده‌ی ۳ این قانون نیز «هرگونه خرید و فروش، بهره‌کشی و بکارگیری کودکان به‌منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، ممنوع و مرتکب،

حسب مورد علاوه بر جبران خسارات وارده، به شش ماه تا یک سال زندان و یا به جزای نقدی از ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال محکوم خواهد شد». ماده‌ی ۴ این قانون نیز مقرر داشته که «هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی جسمی و ممانعت از تحصیل آنان، ممنوع و مرتکب به سه ماه و تا یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد».

از جمله ابتکارات قابل تقدیر مقنن در قانون مورد اشاره، این است که در ماده‌ی ۵، کودک‌آزاری را جزو جرایم عمومی محسوب کرده و تأکید نموده که پیگرد این جرم، احتیاج به شکایت شاکی خصوصی ندارد. با توجه به حکم این ماده، دادستان، رأساً می‌تواند با توجه به عمومی بودن جرم اقدام نماید؛ بنابراین به نظر می‌رسد قانون‌گذار، با وضع ماده مورد اشاره، علاوه بر دنبال نمودن اهداف فرهنگی و ارزشی، درصدد مشکل‌گشایی در مواردی بوده است که خود والدین و سرپرستان قانونی اطفال از جمله پدرخوانده و مادرخوانده، مرتکب کودک‌آزاری می‌شوند و کودک نیز نمی‌تواند اعلام شکایت کند. نکته دیگر آنکه، مطابق ماده‌ی ۶ این قانون، «کلیه افراد و مؤسسات و مراکز که به نحوی مسئولیت و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند، مکلفند به محض مشاهده موارد کودک‌آزاری، مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضایی اعلام نمایند. تخلف از این تکلیف، موجب حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون ریال خواهد بود». در مورد این ماده، دو نکته مهم قابل استنتاج است:

الف- به نظر می‌رسد مقنن برای جلوگیری از میزان بالای رقم سیاه کودک‌آزاری و الزام افراد به همکاری با دستگاه قضایی، اقدام به جرم‌انگاری در این خصوص کرده است. شایان ذکر است که این بزه، به صورت کلی در زمره جرایم علیه عدالت قضایی قرار می‌گیرد که به دلیل فقدان قانون مدون در این زمینه، قانون‌گذار به صورت جداگانه اقدام به جرم‌انگاری در این خصوص کرده است.

ب- به نظر می‌رسد که به قرینه واژگان «افراد» و «مسئولیت و سرپرستی»، این ماده می‌تواند شامل پدرخوانده‌ها و مادرخوانده‌ها نیز باشد.

در عین حال، ایراد بزرگ و غیرقابل پذیرش بر این قانون و نسبت به ماده‌ی ۷ آن وارد است. در این ماده، تنبیه طفل براساس حقی که در ماده‌ی ۱۱۷۹ قانون مدنی برای والدین در نظر گرفته شده، به‌عنوان استثنا مطرح شده و به این ترتیب، چنانچه والدین،<sup>(۴)</sup> طفل تحت سرپرستی خود را تنبیه کنند، از شمول مقررات قانون مورد بحث خارج خواهند بود. این وضعیت، در مغایرت واضح با مفاد کنوانسیون حقوق کودک و به‌ویژه ماده‌ی ۱۹ آن است که کشورهای عضو کنوانسیون را موظف کرده تا از کودک در برابر خشونت، صدمه، آسیب یا آزار جنسی و جسمی، سوءاستفاده و ... حمایت کنند.<sup>(۵)</sup> یکی از چالش‌های مهم شورای نگهبان با مجلس در سال ۱۳۸۱ در مورد ماده‌ی ۷ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بود؛ ماده‌ای که براساس نظر مجلس، تنبیه کودکان از سوی والدین را ممنوع اعلام کرده بود، لیکن در نهایت، نظر شورای نگهبان تأمین شد و رفتارهای والدین از استثنائات این قانون مطرح شد و مبارزه کیفری با کودک‌آزاری درون خانوادگی که هدف اصلی طراحان قانون مورد بحث بود، جامه عمل نپوشید. با توجه به اینکه عمده موارد کودک‌آزاری، در بستر خانواده و در تعامل میان والدین و سرپرستان و کودکان و از جمله میان پدرخوانده‌ها و مادرخوانده‌ها و فرزندخوانده‌ها رخ می‌دهند، جای این پرسش وجود دارد که آیا ماده‌ی ۷ پیش گفته، زمینه‌ساز سوءاستفاده والدین و سرپرستان را فراهم نمی‌آورد و آیا با وجود این ماده، تفکیک اذیت و آزار از تنبیه متعارف برای تربیت اطفال موضوع این قانون مشکل نخواهد بود؟ البته قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۲ نیز کاری از پیش نبرده، چراکه در ماده‌ی ۱۷ خود اشعار داشته که «تکالیف سرپرست نسبت به کودک یا نوجوان از لحاظ نگهداری، تربیت و نفقه ... نظیر تکالیف والدین نسبت به اولاد است...»؛ بنابراین اگر تکالیف سرپرست نظیر تکالیف والدین باشد و از جمله ماده‌ی ۱۱۷۹ قانون مدنی بتواند شامل سرپرستان فرزندخوانده‌ها نیز بشود، باید نتیجه

گرفت که قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست نیز نتوانسته حمایتی از فرزندخوانده‌های آزر دیده به عمل آورد.

### برآمد

تنبیه بدنی کودک به شیوه رایج و ابزاری که به‌طور وسیع مورد استفاده قرار گیرد، نه تنها با اهداف اصلاحی و تربیتی بیگانه است؛ بلکه آثار و پیامدهای ناگواری را نیز به دنبال دارد. از این رو لازم است در ترویج ماده‌ی ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک که بر هرگونه بدرفتاری و خشونت علیه کودکان، از جمله تنبیه بدنی تأکید می‌کند، تلاش و تأکید شود و مقررات داخلی نیز با آن هم‌نوا گردد.

به‌علاوه، مکتب مقدس و عدالت آفرین اسلام، دیدگاهی جامع و سنجیده در مورد شخصیت و روش‌های تربیتی کودکان دارد. در این آیین انسان‌ساز بر کرامت کودکان، مهرورزی و مصلحت‌محوری در برخورد با آنان و جلوگیری از هرگونه زیان و آسیب به آنها تأکید بسیار شده است و در آموزه‌های دینی نیز کیفر دادن، خشونت، آزار و تنبیه اطفال منع شده است. البته دین اسلام در مورد کودکی که با وجود برخورداری از قوه درک و تمییز و به‌رغم مراقبت‌ها و توصیه‌های والدین و سایر سرپرستان، به کج‌روی و انحراف ادامه می‌دهد و رفتار نامطلوب آنها تهدیدی برای سلامت و بقای خود یا دیگر افراد است، تدابیر تنبیهی و تأدیبی را به‌عنوان آخرین راه‌حل و حکمی استثنایی منظور کرده است که این خود نیز به قصد احسان و مصلحت‌جویی برای طفل و تلاشی نهایی برای نجات وی در شرایط بحرانی است. ضمن آنکه نشانگر رویکرد وسیع اسلام به مسائل اطفال است.

بدین سان، تنبیه بدنی کودک، یک شیوه تربیتی عادی و راهکار اصلاحی متعارف محسوب نمی‌گردد، بلکه تدبیری محدود و استثنایی و برای شرایطی ویژه است و از این رو نمی‌تواند به‌عنوان یک حکم

کلی و مطلق در مقررات مدنی منعکس گردد؛ به خصوص که می‌تواند زمینه‌ساز سوءاستفاده و همچنین دستاویز والدین، سرپرستان و مربیان برای کودک‌آزاری قرار گیرد. به هر روی، جهت جلوگیری از خشونت علیه کودکان و کاستن از موارد آزار و تنبیه بدنی آنان پیشنهاد می‌شود:

- ۱- با مطالعات، تحقیقات و برنامه‌ریزی هدفمند، دیدگاه‌های تعصب‌آمیز و سنت‌های ناروا و بی‌اساس در برخورد خشونت‌آمیز با کودکان و تنبیه بدنی آنان برطرف گردد.
- ۲- طی حرکتی مستمر و فراگیر، فرهنگ اصیل اسلامی که بر کرامت و

شخصیت اطفال و برخورد محبت‌آمیز و رفتار سنجیده و به دور از خشونت با آنها تأکید می‌کند ترویج شود. در این خصوص نقش رهبران مذهبی و رسانه‌های عمومی برای انتقال دیدگاه‌های دینی اهمیت زیادی دارد.

- ۳- نسبت به سالم‌سازی فضای خانواده و رفع معضلات مادی و روانی آنها اقدام گردد و والدین، سرپرستان و مربیان کودکان در مورد روش‌های مؤثر تربیتی مورد آموزش قرار گیرند.
- ۴- اقدامات تقنینی مناسب و هماهنگ‌ساز قوانین داخلی با اصول و مقاصد شریعت مقدس اسلام در مورد اطفال و نیز کنوانسیون

حقوق کودک در جهت منع خشونت و تنبیه بدنی انجام گیرد. حکومت اسلامی با توجه به خشونت فزاینده علیه کودکان و در نظر داشتن مصالح آنان و جلوگیری از سوءاستفاده و دستاویز کردن مقررات می‌تواند در قالب حکم حکومتی تنبیه بدنی کودک را به طور کلی ممنوع اعلام نماید.

- ۵- نهادها و سامانه‌های حمایتی، حفاظتی و نظارتی خصوصی و دولتی جهت فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی، اقدامات پیشگیرانه و درمانی، حمایت از کودکان آسیب‌دیده و پیگیری قضایی (نظیر پلیس اطفال و دادگاه‌های ویژه) تأسیس شوند.

#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱۰- فرقانی، منصور، مبانی فقهی و حقوقی جرائم و تأدیب کودک، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۹.
- ۱۱- قائمی، علی، کودک و خانواده نابسامان، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، چ ۵، ۱۸۳۱.
- ۱۲- کریمی جهرمی، علی، اللّٰدر المنضود فی احکام الحدود، قم، دارالقرآن الکریم، ج ۲، ۱۴۱۴ق.
- ۱۳- گیج، لیت ال و برلایز، دیوید. سی، روانشناسی تربیتی، ترجمه غلامرضا خوی‌نژاد و همکاران، مشهد نشر پاژ، ۱۳۷۴.
- ۱۴- محمدی اصل، عباس، اختلال در کارکردهای خانواده، مدرسه و گروه همسالان و بزهکاری اطفال و نوجوانان، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، ۱۳۸۲.
- ۱۵- مدنی (قهفرخی)، سعید، کودک‌آزاری در ایران، تهران، نشر اکنون، ۱۳۸۳.
- ۱۶- النجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۴۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۰ق.
- ۱۷- هرگنجان، بی‌آر، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی اکبر سیف، بی‌تا.
- ۱۸- الیعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، تاریخ الیعقوبی، قم، موسسه نشر فرهنگ اهل البیت (ع)، بی‌تا، ج ۲.

#### منابع عربی:

- ۱۹- قرآن کریم
- ۲۰- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، بی‌تا.
- ۲۱- البحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، جلد ۱، ۱۵، ۱۸ و ۱۹.
- ۲۲- الحلی، ابن فهد، عدّه الداعی، بی‌جا، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
- ۲۳- العاملی، محمدجواد، مفتاح الکرامه، ج ۴، بی‌تا.
- ۲۴- فیض کاشانی، محمدحسن، المحجّه البیضاء، ج ۳، بی‌تا.
- ۲۵- الکلینی الرازی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
- ۲۶- المجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، المکتبه الاسلامیه، ج ۲۳ و ۱۰۴، بی‌تا.

#### منابع لاتین:

- 27- Reynaert- Didier & Others- A Review of Children s Rights Literature Since the Adoption of the United Nations Convention of the Rights of the Child- Faculty of Social Work and Welfare Studies- University of College Ghent- Voskenslaan- Belgium, 2009.

1. UN Convention on the Rights of the Child (CRC).
2. Corporal Punishment.
3. Committee on Rights of the Child.

۴. در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست، وظایف و تکالیف سرپرستان، همانند وظایف و تکالیف سرپرستان شمرده شده (ماده ۱۷)؛ بنابراین، به نظر می‌رسد ماده ۷ مورد اشاره، شامل سرپرستان و اقدامات تنبیهی آنان نیز می‌شود.

۵. بند یک ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک مقرر نموده که «کشورهای طرف کنوانسیون، تمام اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر تمام اشکال خشونت جسمی و روحی، آسیب‌رسانی یا سوءاستفاده، بی‌توجهی یا رفتار سهل‌انگارانه، بدرفتاری یا استثمار از جمله سوءاستفاده‌های جنسی، هنگامی که کودک تحت مراقبت والدین یا قیم‌های قانونی یا هر شخص دیگری قرار دارد، به عمل خواهند آورد».

#### فهرست منابع:

#### منابع فارسی:

- ۱- اکبری، لیلا، بررسی شیوه‌های پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان در قواعد و اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- ۲- آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه محمدعلی انصاری قمی، تهران، دارالکتاب، ۱۳۳۷.
- ۳- ایروانیان، امیر و دیگران، کودک‌آزاری: از علت شناسی تا پاسخ‌دهی، انتشارات خرسندی، چ اول، ۱۳۸۸.
- ۴- بولتن کودکان و خشونت - یونیسف.
- ۵- جی موریس، ریچارد، اصلاح رفتار کودکان، ترجمه ناهید کسانیان، بی‌تا.
- ۶- سیف، علی‌اکبر، تغییر رفتار او رفتار درمانی، تهران، ۱۳۷۳.
- ۷- شایگان، سیدعلی، حقوق مدنی، قزوین، انتشارات طه، ۱۳۷۵.
- ۸- طبسی، محمدجواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (ع)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
- ۹- عطاران، محمد، آراء مربیان بزرگ درباره تربیت کودک، تهران، نشر مدرسه، ۱۳۷۳.

